

بودلر و پو

پامل فیبر^۱

ترجمه شهلا شریفی

یکی از جالبترین فصلهای تاریخ ترجمه، ترجمه آثار ادگار آلن پو به دست بودلر است. بودلر پنج جلد از مجموعه دوازده جلدی آثار پو را ترجمه کرده است و این ترجمه‌ها در زمره آثار کلاسیک زبان فرانسه درآمده‌اند. بودلر در ترسیم تصویر پو برای فرانسوی زبانان تا حد زیادی نقش داشته است. ۴۷ متنی که او ترجمه کرده همه آثار پو نیست، بلکه سی مقاله و داستان کوتاه او که به فرانسه ترجمه نشده بود ۹۰ سال بعد یعنی در سال ۱۹۵۰ در مجموعه آثار کلاسیک انتشارات گارنیه به چاپ رسید.

این واقعیت که چهره فرانسوی پو تا حد زیادی جذابتر از سیمای انگلیسی اوست این سؤال را پیش می‌آورد که بودلر تا چه حد در ایجاد این تفاوت سهم داشته است. راجر اسلینو می‌گوید بیشتر هواداران پو فرانسوی‌اند در حالی که بدگویان او بدون استثنا آنگلوسا کسون هستند. او محبوبیت پو در میان فرانسویان را مرهون بودلر می‌داند.

پل والر می‌گوید آشنایی بودلر با آثار پو نگرش او را متحول کرد و سرنوشتش را تغییر داد. به اعتقاد والر، پو با نظریه زیبا شناختی‌اش نظام فکری جدیدی به بودلر داد در حالی که هدیه بودلر به پوهمانا جاودانگی بود. شعر بودلر (نه شعر پو) بهترین تجلی اصل زیبا شناختی پو بود. والر این تجلی را نوعی ترجمه می‌نامد، ترجمه‌ای که در آن، زبان مبدأ آموزه‌ای زیبا شناختی است و زبان مقصد شعری که این اصل را تجلی می‌بخشد.

بودلر از آن رو به ترجمه آثار پو آغاز کرد که به آنها به دیده احترام می‌نگریست و قرابتی بین آنها و شعر خود می‌دید. کار بودلر بهترین گواه این ادعاست که قرابت روحی مترجم با نویسنده درست به اندازه آشنایی او با زبانهای مبدأ و مقصد در این مورد، حتی بیشتر از آن، اهمیت دارد، چراکه بودلر تسلط کاملی به زبان انگلیسی نداشت. الیوت حتی از این هم فراتر می‌رود و می‌گوید: «برای ما مسجل نیست که بودلر اصلاً با زبان انگلیسی آشنا بوده باشد.» همدلی از هم‌زبانی خوشتر است. البته ارنست پراروند یادداشتی برای یوجین کریپت فرستاده که از آن درمی‌یابیم مادر بودلر در انگلستان به دنیا آمده و کودکی‌اش را در آنجا گذرانده بود. او از کودکی با بودلر به فرانسه و انگلیسی صحبت می‌کرد.

بودلر ابتدا به‌طور پراکنده داستانهای از پو را برای روزنامه‌های مختلف از جمله روو دوپاری، فیگارو و لوموند مصور ترجمه کرد. این ترجمه‌ها بعدها در چندین گلچین داستانهای کوتاه به چاپ رسید. ترجمه‌های بودلر به محض انتشار با موفقیت روبرو شد. بعضی از منتقدان به اصالت هنری آثار پو تردید

می‌کردند اما جملگی زیبایی کار بودلر را می‌ستودند. یکی از منتقدان بودلر را هنرمندی با وجدان و تیزبین می‌خواند و ستایش می‌کند. منتقدی دیگر می‌گوید ترجمه‌های بودلر به اندازه متن اصلی خارق‌العاده‌اند. یکی از منتقدان هم در ستایش او تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید ترجمه‌های بودلر اعتبار ادبی رو به زوال او را دوباره بازگرداند.

شاید برجسته‌ترین خصوصیت ترجمه‌های بودلر، وفاداری توأم با وسواس او به متن اصلی باشد. بودلر حتی در اولین ترجمه‌هایش که آنها را به‌طور روزمره و با سرعت برای چاپ در روزنامه‌ها آماده می‌کرد به متن اصلی پایبند بود، هرچند که گاه معنا را بر صورت ترجیح می‌داد.

او در مقدمه کتاب *la Révélation magnétique* به خاطر زبان مغلق و سبک نامألوفی که به کار برده پوزش می‌طلبد و چنین بهانه می‌آورد که در ترجمه تمامی متن اصلی، مترجم از این روش گزیری ندارد زیرا باید به هر قیمت شده به متن اصلی وفادار بماند. او اغلب از کاربرد اصطلاحات متداول در زبان فرانسه خودداری می‌کند تا خصوصیت ویژه و آهنگین متن اصلی را حفظ کند. بعضی منتقدان ادبی هم عصر او بر او خرده می‌گیرند که از «نوازه» به حد افراط استفاده می‌کند. منتقدی نحوه استفاده بودلر از زبان را مورد ستایش قرار می‌دهد اما به نظر او بودلر گاه سبک ادبی و پذیرفته شده فرانسه را زیر پا می‌گذارد. الیوت مدعی است که بودلر نثری انگلیسی را که گاه ناهنجار و پیش پا افتاده است به نثر تحسین برانگیز فرانسوی تبدیل کرد. اما دیوید گالودی با نظر الیوت موافق نیست. او می‌نویسد:

ادعای الیوت مبنی بر این که محبوبیت آثار پو در نزد فرانسویان به دلیل اصلاحاتی است که در این ترجمه‌ها صورت گرفته ادعای کزافی بیش نیست. ترجمه‌های بودلر ترجمه‌هایی صحیح و اصیل هستند و تا آنجا که زبان فرانسه اجازه می‌دهد به زبان متن اصلی وفادارند. و همین باعث محبوبیت ترجمه‌های بودلر شده است.

به عقیده من احتمال دارد که نظر هر دو منتقد درست باشد. بودلر نثر پو را به نثر تحسین برانگیز فرانسوی برگرداند و موفقیت او به سبب وفاداری به صورت و محتوای متن اصلی بود. این حقیقت که آثار پو به زبان فرانسه خوانندگان بیشتری دارد ناشی از ماهیت آثار، ویژگی‌های خاص سبک پو، نظامهای دستوری و آوایی دو زبان مورد نظر و استعداد و رنج و ایثار بودلر است. اگر آثار پو و ترجمه فرانسوی آنها را با چهار وجه عمده اختلاف، که نیومارک پیشنهاد می‌کند مقایسه کنیم این حقیقت مشهودتر می‌شود.

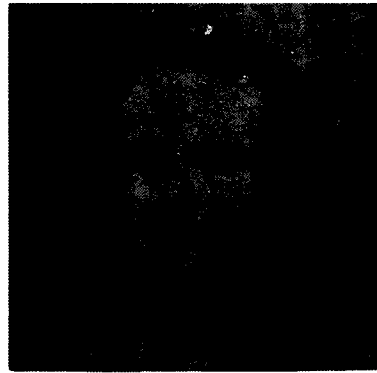
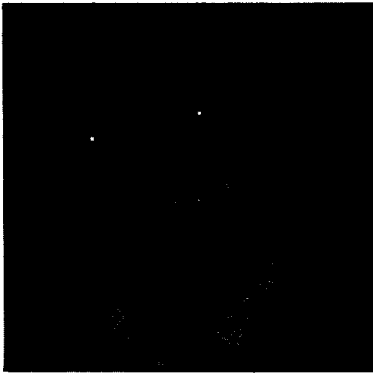
۱- «متن اصلی موقعیتی را توصیف می‌کند که در آن عناصری وابسته به محیط طبیعی، نهادها و فرهنگ یک منطقه زبانی خاص وجود دارد.»

ترجمه داستانهای پو از آن روی آسان است که به محیط زندگی پو وابسته نیستند. بعضی منتقدان از این هم فراتر می‌روند و می‌گویند پو در سنت ادبی آمریکا جایی ندارد. اگر بخواهیم موقعیت پو را از نظر جغرافیایی مشخص کنیم او را بیشتر به فردی اروپایی شبیه می‌یابیم که از مکان خود دور افتاده است. بودلر بی‌گمان احساس می‌کرد که آمریکا برای پو مثل زندان بوده و به غلط بر این باور بود که پو، به پیروی از سنت بایرون، در دوران جوانی برای جنگ با ترکها به یونان رفته و بعدها چندین بار به روسیه مسافرت کرده است. اما این داستان را خود پو ساخته بود تا واقعیت چند سال خدمت خود را در ارتش توجیه کند. دلیلی ندارد که بپذیریم پو بجز همان پنج سال دوران کودکی‌اش که در انگلستان سپری شد دیگر هیچ تماسی با اروپا داشته است.

در هر حال جستجو برای یافتن تصاویری از امریکای قرن نوزدهم در نوشته‌های پو کار بیهوده‌ای است چون چنین تصاویری وجود ندارد. توضیح این مطلب را در تعریف خود پو از هنر که مستلزم رد کامل اصل تقلید است می‌توان یافت:

«هنر باز آفرینی دریافتهای حواس از طبیعت است از خلال حجاب جان».

قدرت تصاویر در آثار پو، بیشتر ناشی از زمینه‌ها و موضوعات رعب‌انگیز این آثار است، چیزهایی نظیر کاخهای رو به ویرانی، خرابه‌های کلیساهای قدیمی، سرزمینهای دور ناشناخته با مردمی اسرارآمیز. این دنیایی است که پو آن را ساخته و تعمد داشته که غیر واقعی جلوه کند. در درون متن، اجزای داستان با هم ارتباط دارند و هدف اصلی این ارتباط ایجاد تأثیری قوی است نه ارائه تصویری واقعی از زندگی. بدین ترتیب، در نتیجه وابسته نبودن متن به فرهنگی خاص، ترجمه نوشته‌های پو به زبانهای دیگر آسان می‌شود و احتمال از دست رفتن مفاهیم به حداقل می‌رسد. از این جهت کار بودلر چندان دشوار نبود. بودلر مجبور نبود به دنبال رابطه میان اجزای متن با جهان خارج بگردد، بلکه کافی بود روابط درونی متن را کشف کند.



۲- «دو زبان مبدأ و مقصد هم در خصوصیات بنیادیشان (langue) و هم در سیستمهای واژگانی، دستوری و آوایی، با یکدیگر تفاوت دارند و به بسیاری از پدیده‌های مادی و تقریباً به همه مسایل ذهنی با نگاهی متفاوت می‌نگرند و آنها را به شیوه‌ای متفاوت به لفظ درمی‌آورند».

در ترجمه همیشه بخشی از معنی از دست می‌رود. این ناشی از اختلاف ساختاری دو زبان مبدأ و مقصد است. اما به عقیده من برخی نویسندگان هستند که سبکشان از سبک برخی دیگر ترجمه پذیرتر است. پو یکی از آنهاست. برای خواننده آنگلسا کسون که به جملات کوتاه و سبک روان عادت کرده، نوشته‌های پو اغلب افراطی به نظر می‌رسد. استفاده فراوان از صفات و عبارات بعد از اسم، بلندی و پیچیدگی جملات، استفاده مکرر از کلمات لاتین، یونانی و فرانسوی سبک پو را به سبک مقاله‌نویسان انگلیسی قرن هجدهم شبیه می‌کند. اما این ویژگیها که خوانندگان آنگلسا کسون را چنین دلزده می‌کند باعث می‌شود تفاوت‌های اجتناب‌ناپذیر میان دو زبان به حداقل برسد.

چنان که نایدا می‌گوید معیارهای پذیرش سبک در متون مختلف اساساً از زبانی به زبان دیگر فرق می‌کند. نویسندگان زبانهای رومیایی، زبان را با همان پیرایه‌هایی می‌آرایند که بسیاری از نویسندگان انگلیسی (البته بجز پو) به طرفداری از واقعیت‌گرایی، صراحت و پویایی آنها را رد کرده‌اند. بنابراین، آن بخش از نوشته‌های پو که در زبان انگلیسی نوعی «نثر مصنوع» به شمار می‌آید در زبان فرانسوی یا اسپانیایی کاملاً دلپذیر است. اگر آثار او را با ترجمه‌های بودلر یا کورتاسار بخوانیم به وضوح متوجه این تفاوت می‌شویم.

تصنع و زرق و برق سبک پو بیشتر به سبب استفاده او از صفات است. او هرگز در جایی که می‌تواند سه صفت به کار ببرد از یک صفت استفاده نمی‌کند. در نوشته‌های او زنجیره‌ای از صفات به دنبال اسم ظاهر

می‌شود. برای مثال تنها در یک داستان کوتاه او با نام *The Fall of the House of Usher* شانزده مورد از این نوع انحراف سبکی دیده می‌شود. به مورد زیر توجه کنید:

"an eye large, liquid, and luminous," "a pestilent and mystic vapour, dull, sluggish, faintly discernible, and leaden hued," etc."

اپستاین بر اهمیت جایگاه صفات تأکید می‌کند. به گفته او صفات را باید علائمی درون نظام ارزشی نویسنده تعبیر کرد. علائمی که برحسب جایگاهشان در متن تأثیرات مختلفی ایجاد می‌کنند. استفاده مداوم پو از صفات بعد از اسم که در انگلیسی نوعی انحراف سبکی به حساب می‌آید به منظور دست یافتن به بالاترین حد تأثیر شعری صورت می‌گیرد. متأسفانه استفاده مکرر او از این وسیله، تأثیر مورد نظر را خنثی می‌کند و از نثر پو نثری منسوخ و خسته کننده می‌سازد. اما وقتی آثار پو به فرانسه ترجمه می‌شود، ساخت زبان مقصد همچون صافی عمل می‌کند و بسیاری از نکات مورد انتقاد خوانندگان انگلیسی را از نوشته‌های او حذف می‌کند. در زبان فرانسه کاربرد صفت بعد از اسم دیگر انحراف سبکی به شمار نمی‌آید. "An eye, large, liquid, luminous" می‌شود "un œil large, liquide et lumineux". زیرا صفات، همچون دیگر اجزای جمله، در زبان فرانسه انعطاف پذیرند، صورت متن اصلی به فرانسه برگردانده می‌شود اما جنبه افراط آمیز آن حذف می‌شود. موفقیت ترجمه، در این مورد، بیشتر ناشی از ساختار زبان مقصد است تا نبوغ مترجم.

این مسأله در مورد کهنه گرایی پو نیز عیناً صادق است. در نوشته‌های او صفحه‌ای یافت نمی‌شود که در آن از کلمات و ساختارهای منسوخ استفاده نشده باشد. پو تأثیر مورد نظرش را از طریق همین کلمات و ساختارهای کهنه ایجاد می‌کند. چنان که در این قطعه از *Morella* مشهود است:

The days have never been when thou couldst love me but her whom in like thou didst abhor, in death thou shalt adore.... Morella! how knowest thou this?

اما در ترجمه این قطعه به فرانسه نشانی از کهنگی نیست.

Il s'n'ont jamais été, ces jours où il t'aurait été permis de m'amier;—
mais celle que, dans la vie, tu abhorras, dans la mort du l'adoveras....
Morella! comment sais-tu cela?

بیشتر این حذفها از آن روست که در زبان فرانسه ضمائر و افعال صورتهای قدیمی (سبک انجیل) ندارند و آرایش واژگانی دو زبان هم تفاوت دارد. باز هم ترجمه خواندنی تر از متن اصلی است چرا که ساختار زبان مقصد اشکالات موجود در سبک پو را برطرف می‌کند.

همین مسأله در مورد جنبه آوایی نیز پیش می‌آید. ترجمه فرانسوی بسیاری از موارد تجانس آوایی موجود در آثار پو را حذف می‌کند و این البته سبب خیر می‌شود چون پو کلمات را بیشتر به دلیل آهنگشان انتخاب می‌کرد تا معنایشان. به قطعه زیر که برگرفته از *Ligeia* است توجه کنید:

... The character of my beloved, her rare learning, her singular yet placid cast of beauty, and the thrilling and enthralling eloquence of her low musical language, made their way into my heart by paces so steadily and stealthily progressive that they have been unnoticed and unknown.

در این مورد تفاوت نظامهای آوایی دو زبان موهبت است. در ترجمه فرانسوی فقط تجانس آوایی میان حروف اول دو صفت اول حفظ شده است. "thrilling and enthralling"/"pénétrante et subjugante". بنابراین «موسیقی» نثر پو یا همان چیزی که برخی آن را «کیفیت مکانیکی سبک پو» می‌خوانند به فرانسه برگردانده نمی‌شود. آنچه باقی می‌ماند تلفیق عناصر و موضوعات در قالب داستان است که به عقیده من، نبوغ

پو نیز در همین زمینه نهفته است.

۳- «نویسنده و مترجم هر کدام به شیوه خاص خود زبان را به کار می‌برند.»

۴- «مترجم و نویسنده نظریه‌های متفاوتی درباره معنا و ارزشهای گوناگون دارند.»

دو مورد آخر را می‌توان با هم بررسی کرد چراکه اساس هر دو، میزان همدلی زبانی و ادبی موجود بین نویسنده و مترجم است. بودلر و پو همدلی کامل با هم داشتند. نوشته‌های شخصی بودلر پر از عباراتی است که همسانی فکری و سبکی او را با پو می‌رساند. او در نامه‌ای به مادرش درباره شباهت ظریف شعرش به شعر ادگار آلن پو سخن می‌گوید. شباهت بودلر به پو از نظر دیگران هم به‌دور نمانده بود. در سال ۱۸۵۷ شارل مونسله ضمن تحسین ترجمه‌های بودلر می‌گوید توفیق بودلر در این امر ناشی از مشترکات زیاد میان او و پو است.

بودلر خود را چون پو می‌دانست، بیگانه‌ای که در جهانی دشمن خوی اسیر شده و سرانجام تباه می‌شود. «جهانی بزرگ و وحشی» که نمی‌توانست برای نبوغ کمیاب او ارزشی قائل شود. او اعتراف می‌کند که در آثار پو خودش را می‌یابد. بنابراین می‌توانیم حدس بزنیم که روش خاص پو در استفاده از زبان و نیز روش مترجم تا حد زیادی به یکدیگر شباهت دارند. و اما در مورد نظریات این دو درباره معنا، کافی است به خاطر بیاوریم که بودلر نظریه زیباشناختی پو را پذیرفته بود و آن را مبنای کار خویش قرار داده بود. او متن نوشته‌های پو را از بر می‌خواند و در مورد ارزش کار او برای همه کسانی که گوش شنوا داشتند سخن می‌راند. نفوذ پو در آثار بودلر مشهود است. او کتاب *Mon cœur mis à nu* خود را با الهام از *Marginalia* اثر پو نوشت. در *Journaux intimes* ارادات بودلر به پو تا آنجاست که به پو التماس می‌کند شفیع او شود تا دعاهایش مستجاب گردد. احترام فراوان بودلر برای پو و اعتقاد راسخش به نوشته‌ها و عقاید او بخشی از دلایل موفقیت ترجمه‌هایش بود. بلک مور می‌گوید بودلر است که به پو عظمت می‌دهد. چرا که به نوشته‌های او در زبان فرانسه قدرت و اصالتی می‌دهد که هرگز در اصل انگلیسی‌اش دیده نمی‌شود. ترجمه‌های بودلر آثار پو را دگرگون می‌کند، اما این دگرگونی تنها وقتی ممکن می‌شود که مترجم چنان متن اصلی را حس و درک کند که گویی خود نویسنده آن است. بودلر موفق به انجام این کار می‌شود. بنابراین، وجه چهارم اختلاف نیز از بین می‌رود.

نتیجه:

به عقیده من مجموعه‌ای از عوامل و شرایط گرد آمدند تا بودلر به قول بلک مور ترجمه‌ای مردم پسند و ماندگار از آثار پو به دست دهد. ترجمه‌ای که در زبان فرانسه از پو نویسنده‌ای بزرگ می‌سازد. این عوامل عبارتند از: (۱) ترجمه‌پذیری سبک پو (۲) فقدان مرجع جانشینی (paradigmatic references) در نوشته‌هایش (۳) ساختار زبان مقصد که چون صافی عمل می‌کند و معایب کار پو را برطرف می‌کند (۴) نزدیکی زمانی نویسنده و مترجم متن (۵) همدلی مترجم و نویسنده از همه جهات.

اما اگر معتقد باشیم که هدف اصلی مترجم ایجاد تأثیری (تا حد ممکن) مشابه تأثیر متن اصلی بر خوانندگان است ترجمه بودلر به هیچ روی بی‌عیب نیست. او در بازآفرینی سبک پو رعایت امانت را نکرده است. اکنون وقت آن است که خوانندگان فرانسوی در ترجمه‌ای پالوده‌تر پو را آن چنان که بوده است بشناسند. ■